

A Comparative Study of Some Innovations in Criminal Procedure Law in the Juvenile Delinquency Period in Iranian Law with US Law

Abstract

This research is based on the method used by most researches in criminal law, is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of nature and will be comparative in terms of content. It has also been a method of collecting library information. According to the findings, the new law on criminal procedure provides for new arrangements regarding the trial of children, such as the establishment of a special police for children and adolescents and the processing of cases of children and adolescents directly in the courts and mediation, which can be a reason. He knew that children should not be involved in a formal and complicated court process. Although today these judicial and non-judicial institutions have not been used in a principled way and in their true meaning, so these cases have remained in practice in theory. Juvenile delinquency has specific institutions and actions that are interesting in their own right, including the fact that if juveniles commit a federal crime, it is not possible to have their case heard in a federal court unless the federal government allows a case to be tried on a case-by-case basis. The next case is the dual jurisdiction of delinquency and guardians, so that according to the juvenile criminal system in this country, if a child commits a crime, if the court finds him guilty, he can not put him in custody because it is possible that the child at the same time The next case is the transfer of juvenile delinquency to the adult court, and if the juvenile court judge finds that the transfer of the juvenile to the adult criminal justice system will benefit everyone, he or she will order it.

مطالعه تطبیقی برخی نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران با حقوق آمریکا

الهام عبدی^۱

احمد رمضان^۲

شهلا معظمی^۳

مجتبی فرحبخش^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۸

چکیده:

این تحقیق از جهت محتوی تطبیقی خواهد بود، همچنین شیوه جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای بوده است. بر اساس یافته ها هر چند امروزه این نهادهای قضایی و غیر قضایی به شکل اصولی و به معنای واقعی خود بکار گرفته نشده اند لذا این موارد در عمل بعضا به صورت تئوری باقی مانده اند. اما در نظام کیفری آمریکا نهادهای قضایی و غیر قضایی مورد استفاده در روند رسیدگی به جرایم اطفال دارای نهادها و اقدامات خاصی است که در نوع خود جالب می باشد از جمله اینکه اگر اطفال مرتکب جرم فدرال شوند امکان رسیدگی به پرونده آن ها در دادگاه فدرال وجود ندارد مگر اینکه دولت فدرال اجازه شروع رسیدگی را به صورت موردی تحت شرایط خاص صادر کند. مورد بعدی نیز حوزه قضایی دوگانه بزهکاری و افراد تحت قیمومیت است به شکلی که بر اساس نظام کیفری اطفال در این کشور چنانچه طفل مرتکب جرم شود اگر دادگاه وی را بزهکار تشخیص دهد نمی تواند وی را تحت قیمومیت قرار دهد زیرا امکان اینکه طفل همزمان هم مجرم باشد و هم تحت قیمومت قرار گیرد وجود ندارد. مورد بعدی نیز انتقال دادرسی به جرایم اطفال به دادگاه بزرگسالان است و اگر قاضی دادگاه نوجوان تشخیص دهد که انتقال نوجوان به نظام دادگستری کیفری بزرگسالان به نفع همه خواهد بود دستور این کار را خواهد داد.

کلید واژه ها: رسیدگی - جرایم اطفال - آیین دادرسی کیفری - نظام کیفری ایران - نظام کیفری آمریکا

آمریکا

مطالعه تطبیقی برخی نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران با حقوق

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران،

elham_a_mehr@yahoo.com

^۲ دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، استادیار دانشگاه علم و فرهنگ، گروه حقوق، نویسنده مسئول، رایانامه: ramezani.amd@gmail.com

^۳ دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، استادیار دانشگاه تهران، گروه حقوق، Smoazami@ut.ac.ir

^۴ دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، استادیار دانشگاه شاهد، گروه حقوق، mo.farahbakhsh@yahoo.com

کنوانسیون حقوق کودک، به عنوان مهمترین سند بین‌المللی در حوزه حقوق کودک در بندهای مختلف ماده ۴۰ و همچنین ماده ۱۴ از قواعد پکن، تاکید فراوان بر راه‌اندازی این تشکیلات افتراقی دارد (حسینی، میرکمالی، ۱۳۹۵، ۲۴۷). بر اساس اصول حقوقی، اطفال فاقد مسئولیت کیفری هستند. اما این موضوع به معنای عدم برخورد با جرایم ارتكابی توسط آنان نخواهد بود، بلکه ایجاد یک نظام دادرسی افتراقی، اصلی پذیرفته شده در تمام سیستم‌های حقوقی است. قوانین کیفری اطفال به لحاظ ویژگی‌های انحصاری خود، بازخوردهای کیفری خاصی را درباره کودکان و نوجوانان بزه‌کار در پیش می‌گیرند. (حسینی، موسوی بایگی، ۱۳۹۲، ۴۷). قوانینی که نگاهی ویژه به اطفال داشته و در راستای اصلاح و درمان آنان گام بردارد؛ در نتیجه با وجود این که اصل بر عدم مسئولیت کیفری است و به پیروی از ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، در بسیاری از کشورها افراد تا پیش از رسیدن به هجده سالگی طفل تلقی می‌شوند" (اسدی ۱۳۸۸، ۸۴) افتراقی‌سازی دارای جنبه‌های متعددی است که گاه در زمینه تشکیلات رسیدگی‌کننده و گاه درباره تشریفات و ماهیت پاسخ‌ها در عرصه آیین دادرسی کیفری تبلور پیدا می‌کند (نیازپور، ۱۳۹۲، ۲۵). این نظام دادرسی افتراقی که در راستای حمایت، اصلاح و درمان کودک شکل گرفته است، با هدف پیشگیری، درمان و جامعه‌پذیر نمودن کودکان، علاوه بر ابزارهای حمایتی متعدد نیاز به تشکیلات اختصاصی نیز در این عرصه دارد، که در ماده ۱۴ قواعد پکن و بندهای مختلف ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک بر آن تأکید شده است. ایجاد نهادهای تخصصی، از الزامات یک سیاست جنایی افتراقی برای کودکان می‌باشد، از جمله این نهادها می‌توان به دادرسی اطفال و نوجوانان اشاره کرد که موجب تفکیک مرحله مقدماتی از رسیدگی در دادگاه می‌باشد.

نظام بین‌الملل حقوق بشر به دادرسی‌ها به عنوان یک نهاد قضایی صرف که تنها وظیفه ایجاد تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست را دارد، بلکه به عنوان یک مرجع پیش از دادرسی که امکان استفاده از راهکارهای قضازدایی را با استفاده از مصالحه یا میانجی‌گری، استفاده از تعلیق تعقیب و ... داراست، توجه می‌کند و اصل را در این مرحله قضازدایی و تغییر مسیر دادرسی رسمی قرار می‌دهد. (فخاری، ۱۳۸۸، ۷۱). لذا در راستای یک دادرسی افتراقی و کارآمد برای کودکان، از روش‌های سرکوبگرانه و تنبیهی باید پرهیز کرد و به عنوان آخرین راهکار و در صورت ضرورت از پاسخ‌های سالب آزادی آن‌ها برای مدتی کوتاه بهره گرفت. در حقوق ایران، اولین قانونی که موادی را به اطفال بزهکار اختصاص داده بود، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ نام داشت که با قبول مسئولیت کیفری تدریجی، پاسخ‌های را برای اطفال بین ۱۲ تا ۱۸ سال پیش‌بینی می‌کرد. اما تنها قانون ویژه‌ای که در زمینه دادرسی اطفال تاکنون در نظام داخلی ایران به تصویب رسیده است. در سال ۱۳۷۸ قانونگذار بار دیگر به لزوم دادرسی متفاوت در خصوص اطفال را مورد توجه قرار داد و نهایتاً در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب بخشی را به دادرسی افتراقی اطفال اختصاص داد. تغییرات صورت گرفته در قانون، نقطه عطفی است که احتمال تغییرات بیشتر و تطبیق بهتر قوانین با اوضاع و احوال کنونی را به واقعیت نزدیک می‌نماید. (صادقی رام ۱۳۹۲، ۱۵۱).

در نظام کیفری مربوط به آمریکا در آغاز، آیین‌های دادرسی کیفری جوانان در یک دادگاه جوانان به اجرا در می‌آیند یک شاخه به خصوص از دادگاه عالی است. در درجه دوم رسیدگی قضایی به جرائم کیفری نوجوانان به جای یک شکایت یا احضاریه به وسیله صدور یک دادخواست کلید می‌خورد. در درجه سوم، اگر نوجوان به ارائه مدارک

اعتراض کند، و بدین ترتیب عنوان نماید که در تضاد با حقوق ذکر شده او در اصلاحیه مربوط به چهارم قانون اساسی می‌باشند، او می‌تواند پیرو ماده ۷۰۹ قانون موسسات و نهادهای رفاهی طرح دعوا کند، به جای اینکه این کار را از طریق ماده ۱۵۳۸ قانون کیفری انجام دهد. در درجه چهارم نوجوان می‌تواند اعتراف کند که اعمال مجرمانه را که به او نسبت داده شده انجام داده یا اینکه وارد یک درخواست عدم پذیرش جرم شود؛ نوجوان وارد دادخواست پذیرش گناهکاری نمی‌شود، درجه پنجم اگر نوجوان به اعمال مجرمانه اعتراف نکند، دادستان، که مأمور صدور قرار نامیده می‌شود، باید آن اتهامات را تا حدی که شکلی به آنها وارد نباشد در یک جلسه دادرسی قضایی به جای یک جلسه محاکمه ثابت نماید. در درجه ششم، نوجوان گناهکار شناخته نمی‌شود؛ بلکه اتهامات کیفری یا ثابت می‌شوند یا ثابت نمی‌شوند، تمام اتهامات دادخواست به همین بستگی دارد. و در آخر اینکه، دادگاه نوجوانان حکم صادر نمی‌کند، بلکه در یک دادرسی صدور قرار اقدام به صدور قرار می‌کند.

البته اختلاف اساسی در بین آیین دادرسی کیفری مربوط به نوجوانان و بزرگسالان در این است که نوجوانانی که در دادگاه نوجوانان به جرمی متهم شده اند، حق دستاویز به هیئت منصفه را ندارند. با این وجود، وقتی که اتهامات وارده در یک دادرسی قضایی دوجانبه مورد بررسی قرار می‌گیرند، بسیاری از مسائل مشابهی که در دادگاه‌های تجدید نظر بزرگسالان دیده می‌شود مشهود است از جمله ادعاهایی نسبت به کفایت مدارک و نسبت به ارائه مدارک (مسائل مربوط به اظهارات خارج از دادگاه، مسائل مربوط به رویارویی شاهد و متهم، اعترافات غیر ارادی و غیره) به علاوه بسیاری مسائل گوناگون قضایی و مربوط به صدور قرار وجود دارند که صرفاً در آیین دادرسی کیفری مربوط به نوجوانان ظهور می‌نمایند.

مهمترین پرسشی که نگارندگان به دنبال پاسخ آن هستند این است که اصول و ضوابط دادرسی کیفری در حقوق کیفری ایران و آمریکا بر چه دیدگاهی است و جنبه اصلاحی و بازپروری یا کیفری آن پررنگ تر است و در این راستا تا چه حدی با مصالح و منافع کودک بزهکار و منطبق است؟

با بررسی تحقیقات انجام شده در این زمینه مشخص می‌شود که تحقیقات محدودی به نگارش درآمده و بیشتر حول محور رسیدگی به جرایم اطفال در نظام کیفری داخلی بوده و با کشور آمریکا تا به اکنون تطبیقی صورت نگرفته است لذا در ادامه به بررسی سوابق پژوهش خواهیم پرداخت.

غلامحسین الهام و میرم منوچهری (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان تخصصی شدن رسیدگی در دادگاه‌های اطفال در ایران و ایتالیا عنوان کرده اند که اگر تخصصی کردن رسیدگی‌های کیفری در دادگاه‌های اطفال از حیث ویژگی‌های دادرسان در ابعاد سه گانه انتخاب قضات حرفه‌ای و متخصص، ضرورت آموزش مستمر آنان و دادرسی به شیوه تعدد قضات (متشکل از قضات حرفه‌ای حقوقدان و کارشناسان متخصص در امور وابسته به اطفال) تجلی می‌یابد، این هرسه بعد در مقررات و رویه‌های ایتالیایی منعکس شده است. در رویه جاری ایران در هر سه

بعد مذکور، کاستی هایی وجود دارد که خوشبختانه بخشی از آن ها در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ لحاظ و رفع شده است. با این حال در این قانون نیز، تعدد تصمیم گیرندگان مورد پذیرش قرار نگرفته است. اولاً، قضاوت در خصوص جرایم اطفال جنبه حقوقی صرف ندارد، کما اینکه واکنش های مورد نظر در این حوزه نیز کمتر واجد جنبه سرکوبگرانه و کیفری است و بیشتر متضمن جنبه های تربیتی، اصلاحی و درمانی است. ثانیاً، اشکالات احتمالی ناشی از اعطای اختیار تصمیم گیری به کارشناسان غیر حقوقی در فرایند قضایی را می توان با توسل به راهکارهای ابتکاری رفع کرد، ضمن اینکه حضور قضات حرفه ای در کنار این دسته از متخصصان و برخورداری آنان از آرای الزام آور مساوی، فی نفسه می تواند بسیاری از اشکالات احتمالی را مرتفع سازد.

روش شناسی تحقیق: تحقیق حاضر، تحقیقی کاربردی است و به روش تحلیل محتوا صورت گرفته است. در راستای نگارش این مقاله از روش کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است و تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده به صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج محقق از منابع و متون بوده است. ماهیت موضوع ایجاب کرد تا با مطالعه و ترجمه متون لاتین و کنار هم قرار دادن آن ها با مطالب منابع فارسی، مقاله ای تطبیقی گردآوری شود. در این تحقیق قانون آیین دادرسی جرایم اطفال و نوجوانان آمریکا توسط نگارندگان ترجمه شده و با قانون آیین دادرسی کیفری ایران تطبیق داده شده است. گردآوری و تجزیه تحلیل مطلب به این قوانین متکی بوده، از همین رو برای بدست آوردن و طبقه بندی اطلاعات، از ابزار های سنجش کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است.

یافته های تحقیق:

افتراقی بودن سیاست جنایی در برخورد با اطفال و نوجوانان بزهکار علاوه بر ماهیت تصمیمات قضائی و شیوه دادرسی، ویژگی خاص تمام دستگاه های مداخله گر در فرایند دادرسی اطفال و نوجوانان و مقررات خاص دادرسی اطفال و نوجوانان را در بر می گیرد. اهمیت تأسیس چنین نهادهایی در دیدگاه و رهیافت خاص آنان نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان است. براین اساس شاید بتوان یکی از دلایل عدم کارایی مقابله با بزهکاری اطفال و نوجوانان در نظام های حقوقی برخی کشورها مثل آمریکا را در آن دانست که این مقابله توسط نهاد های سنتی و مخصوص بزرگسالان به عمل می آید (جمشیدی، ۱۳۸۲، ۸۴).

نهادها و اقدامات خاص در رسیدگی به جرایم اطفال در نظام کیفری ایران

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با در نظر گرفتن معیارهای بین المللی و استفاده از تجربه سایر نظام های حقوقی، در زمینه تشکیلات قضائی و تخصصی رسیدگی کننده به جرایم صغار، نهادهای قضائی خاصی مثل دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان و نهاد های غیر قضائی و تخصصی مرتبط با دادرسی اطفال و نوجوانان از جمله مشاوران کودک و نوجوان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و نهاد مددکاری اجتماعی پیش بینی شده و برای مجریان فرایند دادرسی اعم از مقامات قضائی و غیر قضائی نیز ویژگی های خاصی مورد پیش بینی قرار گرفته است.

الف: تشکیل نهادهای قضائی خاص اطفال و نوجوانان

برای افتراقی شدن دادرسی اطفال و پایبندی به اصول حاکم بر دادرسی عادلانه، می بایست نهادهای خاص دادرسی اعم از مراجع قضائی و انتظامی و نهادهای مددکاری، مبتنی بر اصول دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان بکار گرفته شود و همسو با اهداف دادرسی خاص تشکیل شوند. ضرورت تأسیس چنین نهادهایی در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مورد توجه قرار

گرفته و مراجع قضائی ویژه ای برای رسیدگی به اتهامات صغار در نظر گرفته شده است. این نهادهای قضائی شامل دادسرای ویژه نوجوانان، دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان و شعب ویژه دادگاه تجدیدنظر برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان می شود (مصالی، ۱۳۸۹، ۱۲۱).

۱- دادسرای ویژه اطفال و نوجوانان

تمامی امور مربوطه به مراحل مختلف تعقیب، تحقیق و محاکمه مربوط به جرایم اطفال و نوجوانان زیر پانزده سال توسط دادگاه اطفال و نوجوانان صورت می گیرد. لیکن در رسیدگی مقدماتی به جرایم افراد پانزده تا هجده سال تمام شمسی، مرحله تعقیب و تحقیق از مرحله صدور حکم تفکیک شده است.

۲- دادگاه اطفال و نوجوانان

شروع مباحث علمی و حقوقی، پیرامون انحرافات و بزهکاری اطفال حدود ۱۵۰ سال قدمت دارد. لیکن نخستین دستاوردهای ناظر به سازمان قضایی خاص برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، از طریق ایجاد دادگاه نوجوانان کوک کانتی^۱ در شهر شیکاگو در آمریکا در سال ۱۸۹۹ آغاز شد و سپس در سایر کشورهای جهان مورد تقلید قرار گرفت (Tanenhaus, ۱۹۹۹, ۱۴). تلاشهای جدی پیرامون اتخاذ یک سیاست جنایی کارآمد و قابل قبول در قبال دادرسی ویژه اطفال بزهکار و تأکید نظام قضایی دولتها بر ضرورت تشکیل دادگاه های ویژه اطفال در راستای باز اجتماعی کردن طفل یا نوجوان معارض قانون و پیشگیری از تکرار رفتار مجرمانه در آینده را می توان برخاسته از اندیشه ها و آموزه های جرم شناختی و انسان شناختی مکتب دفاع اجتماعی نوین دانست (Ainsworth, ۱۹۹۶, ۶۴).

۱-۲- صلاحیت اختصاصی دادگاه اطفال

بر اساس تبصره ۱ ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان برای رسیدگی به جرایم موضوع این ماده اختصاص می یابد و تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آن ها نیست. البته با وجود قید - تخصصی بودن - در ذیل تبصره مزبور نمی توان دادگاه اطفال و نوجوانان را تخصصی قلمداد کرد. زیرا قید تخصصی بودن ناظر به دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان است نه دادگاه اطفال و نوجوانان و به همین دلیل دادگاه اطفال و نوجوانان بنا بر مقررات قانونی یک دادگاه اختصاصی و ویژه برای رسیدگی به جرایم افراد زیر ۱۸ به شمار می رود نه دادگاه تخصصی. لذا با عنایت به اطلاق ماده ۲۹۴ که از دادگاه های اطفال و نوجوانان در کنار سایر مراجع خاص رسیدگی کننده به جرایم (دادگاه انقلاب یا کیفری یک)، نام برده شده است، می توان صلاحیت اختصاصی و نه تخصصی دادگاه

ویژه رسیدگی کننده به جرایم اطفال و نوجوانان را مشخص کرد.

۲- صلاحیت ذاتی و شخصی دادگاه اطفال

در صورتی که دادگاههای خاص با توجه به شخصیت متهم صلاحیت رسیدگی به اتهامات افراد خاص را داشته باشند، موضوع صلاحیت شخصی دادگاههای اختصاصی می باشد، لذا صلاحیت دادگاه های اطفال و نوجوانان را نیز می توان با توجه به سن و ویژگی های خاص متهم صلاحیت شخصی دانست (الهام، منوچهری، ۱۳۹۳، ۴۶).

۳- بکارگیری قضات ویژه دادگاه اطفال

جنبش دفاع اجتماعی جدید با بیان این موضوع که این قاضی است که مجرم را می شناسد و یا توانایی شناخت او را دارد باعث شد که اصلاحاتی که اغلب ناظر به سازمان قضایی یا آیین دادرسی کیفری صغار بزهکار است، پدید آید. این اصلاحات با ایجاد قاضی اطفال... و مشاورانی از مردم عادی بدون تخصص که، در کنار قاضی حرفه ای در دادگاه اطفال انجام وظیفه می کنند و نیز تغییراتی در آیین دادرسی که از کیفری به حمایتی، پدرانه و تربیتی تبدیل شد، متجلی گردید (آنسل، ۱۳۹۱، ۸). در حالی که مطالعات روانشناختی و جامعه شناختی حاکی از آن است که قضات دادگاه های عمومی، عمدتاً به دلیل برخورد فراوان با بزهکاران به عادت و حرفه ای، فاقد حساسیت لازم به اقصائات دوران کودکی و شخصیت آسیب پذیر صغار بوده و به دلیل فقدان تخصص و عدم آموزشهای کافی، امکان برخورد متناسب و منطقی با صغار بزهکار را ندارند. بر همین اساس، بنابر مواد ۴۰۸ تا ۴۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تشکیلات و شرایط ویژه ای برای مقام قضایی رسیدگی کننده به جرایم اطفال پیش بینی شده است. نقش قاضی ویژه اطفال، حصول اطمینان از اصلاح و بازسازی اطفال و نوجوانان در رسیدگی به جرم و حفاظت از حقوق این افراد برای جلوگیری از سوءاستفاده قرار گرفتن آنان از یک طرف و حفاظت از جامعه در مقابل رفتار بزهکارانه این افراد از سوی دیگر است. بر این اساس قضات و دادرسان دادگاه های اطفال به منظور ایجاد تعادل و توازن بین مصالح اطفال و نوجوانان بزهکار و مصلحت جامعه، علاوه بر تحصیل عمومی دانش حقوق قضایی... باید دانش های وابسته به حقوق جزا، مانند جرم شناسی، جامعه شناسی کیفری، پلیس علمی، کیفر شناسی و غیر اینها را نیز به خوبی یاد بگیرند تا بتوانند پدیده کیفری را از جهات مهم دیگر (اجتماعی - انسانی) مورد سنجش و تجزیه و تحلیل قرار دهند و بهترین تصمیم قضایی را در راستای حصول به منافع اطفال و نوجوانان، اتخاذ نمایند.

ب: ایجاد نهادهای غیر قضایی

یکی از ملزومات بکارگیری سیاست جنایی افتراقی در قبال دادرسی اطفال توجه به نهادهای تخصصی و غیر قضایی در، می باشد. همکاری این نهادها با نهادهای قضایی سبب کارآمدتر شدن نظام دادرسی اطفال و نوجوانان خواهد شد. از جمله نهادهای غیرقضایی مختص اطفال و نوجوانان بزهکار می توان به مشاور متخصص کودک و نوجوان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و نهاد مددکاری اجتماعی اشاره کرد.

۱- پلیس ویژه اطفال

اهمیت نحوه برخورد نیروی انتظامی در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار بیشتر از بزهکاران بزرگسال است. چرا که از یک طرف گرچه اشتباهات قضایی در مرحله دادرسی و در مراحل بالاتر قابل جبران است، ولی اشتباهات پلیسی و خطای آنان در برخورد با اطفال و نوجوانان متهم به جرم قابل جبران نیست (کشفی، ۱۳۸۷، ۱۴۶). لذا تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان یا ایجاد واحدهای تخصصی در نیروی انتظامی، جهت برخورد متناسب با ویژگی های شخصیتی خاص اطفال و نوجوانان بزهکار، سبب بهبود نگرش این افراد و کل جامعه نسبت به دلسوزی دستگاه قضایی و نیروی انتظامی خواهد شد. بنا به ضرورت ایجاد واحدهای تخصصی در نیروی انتظامی، براساس ماده ۳۱

قانون آیین دادرسی کیفری^۱، تشکیل نهاد پلیس ویژه اطفال ونوجوانان، به صورت تخصصی مورد اشاره قرار گرفته است. علی رغم عدم ذکر دقیق وظایف نهاد پلیس ویژه در قانون فوق الذکر، وظایف این نهاد در خصوص اطفال ونوجوانان بزهکار را می توان به طور کلی در قالب مواد ۴۲ و ۲۸۵ مورد بررسی قرار داد.

در هر حال علاوه بر وظیفه اصلی و کلی نیروی انتظامی به عنوان ضابط قضایی، باید عنوان کرد تشکیل پلیس ویژه اطفال ونوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و هدف اصلی این نهاد در مسئولیت پذیری و بازاجتماعی کردن و پیشگیری از تکرار بزهکاری اطفال ونوجوانان، ایجاب می نماید، پلیس در جرایم صغار نیز همانند جرایم اشخاص بالغ ۱۵ تا ۱۸ سال حق مداخله، تحقیق و بازجویی داشته باشد و برخلاف مداخله مقامات قضائی (نهادهای دادرسی و دادگاه) که از یک منطبق سیاست افتراقی تبعیت می کند، بایستی با افزایش حدود اختیارات پلیس ویژه در انجام تحقیق و بازجویی، مداخله پلیسی نیز واجد نوعی کیفیت افتراقی باشد.

براین اساس، به موجب ذیل ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری در جرایم مشهود، جهت جلوگیری از فرار یا از دست رفتن دلایل جرم، امکان انجام تحقیقات الزم حتی بازجویی یا تحت نظر قرار دادن متهم بزرگسال را تا قبل از اطلاع به مقام قضایی دارند. لکن در جرایم مشهود ارتكابی اطفال ونوجوانان، که بخش اعظم جرایم این افراد را تشکیل می دهند و مستلزم مداخله و مراقبت دائمی پلیس می باشد، مأموران پلیس اجازه تحقیق ندارند. ولذا می توان گفت سلب حق مداخله ضابطان در انجام تحقیقات مقدماتی ناظر به جرایم مشهود گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال با منطبق حقوقی نیز سازگار نمی باشد.

۲- مددکاری اجتماعی

مساعادت به اطفال ونوجوانان بزهکار برای استقرار مجدد در اجتماع و کمک به این افراد و والدین یا سرپرستان قانونی آنها در جهت اصلاح و تربیت و پیشگیری از تکرار جرم و سازگاری با دیگران از وظایف اصلی مددکار اجتماعی است.

(Asquith. ۲۰۰۵. ۱۳). مددکار اجتماعی برای آن که بتواند تحت نظارت قاضی اطفال ونوجوانان وظایف خود را ایفا نماید، نیازمند شناخت و تحلیل بزهکاری طفل یا نوجوان، شناسایی شخصیت و پیشنهاد پاسخ های متناسب با جرم این افراد از طرق استفاده از گزارش های تحقیق اجتماعی و تشکیل پرونده شخصیت است.

۳- مشاوره تخصصی به اطفال و نوجوانان

ب اطفال و نوجوانان بزهکاره جهت ویژگی های شخصیتی خاص از جمله تمایل به ریسک پذیری و تأثیر و نفوذ فراوان همسالان بزهکار و جلوگیری از بزه دیدگی اطفال ونوجوانان بزهکار، قاضی اطفال ونوجوانان برای برقراری ارتباط صحیح و متناسب با این افراد همواره نیازمند مداخله متخصصان علوم تربیتی، روان شناسی، جرم شناسی، مددکاری اجتماعی و... به عنوان مشاور در دادرسی صغار می باشد. بنابراین دراطراف قاضی اطفال ونوجوانان و قاضی اجرای مجازاتها، بایستی همواره گروه هایی از متخصصین غیر حقوقدان حضور داشته باشند تا مستمراً اطلاعات و مشاوره های فنی در اختیار قاضی حرفه ای قرار دهند. ضرورت مشاوره تخصصی به قاضی اطفال ونوجوانان در اسناد

۱- ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری: به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال ونوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می شود.

بین المللی نیز صراحتاً مورد توجه قرار گرفته است. به موجب ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. نظر مشاور، مشورتی است (معاونت حقوقی قوه قضاییه، ۱۳۹۴، ۵۱).

علی‌رغم این که وجود مشاور قضایی زن در کنار قاضی دادگاه اطفال می‌تواند بر روند دادرسی و صدور حکم متناسب با روحیات اطفال و نوجوانان بزهکار موثر واقع شود، لیکن به نظر می‌رسد مشروط کردن ضرورت حضور مشاور زن به مونث بودن متهم، بنابر تبصره ۲ ماده ۴۱۰، با ماهیت برخورد متناسب با ویژگی‌ها و ظرایف روحی و روانی اطفال و نوجوانان بزهکار، چندان سازگار نباشد. در هر حال گرچه قانون آیین دادرسی کیفری با پیش‌بینی مشاور در کنار قاضی دادگاه اطفال، گام مثبتی در راستای تخصصی نمودن دادگاه اطفال برداشته است. لیکن عدم تعیین دقیق تعداد مشاوران زن در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان و الزامی ندانستن حضور مشاور زن در صورت مذکور بودن متهم از ایراداتی است که همچنان بر روند دادرسی اطفال و نوجوانان باقی است و مستلزم اصلاح از سوی مراجع قانونی می‌باشد.

نهادهای و اقدامات خاص در رسیدگی به جرایم اطفال در نظام کیفری آمریکا

تا همین اواخر، نظام دادرسی اطفال و نوجوانان در ایالات متحده کاملاً درگیر برخورد متفاوت با آنها نسبت به بزرگسالان از نظر روند کیفری و مجازات‌ها بوده است لذا امروزه ما شاهد تغییر چشمگیر نگرش در دو دهه گذشته بوده ایم به همین برداشت عمومی نسبت به اطفال و نوجوانان و نظام دادرسی آنها تغییر جهت داده است.

مبنای تجربی این دیدگاه هرچه که باشد، واضح است که افکار عمومی و قانونگذاران آمریکا متقاعد شده‌اند که جرایم خشن‌تر اطفال و نوجوانان وجود دارد و برای پاسخگویی به آن، روند سختگیرانه تری برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان می‌بایست وجود داشته باشد. در نتیجه، امروزه پرونده‌های قابل ملاحظه بیشتری یافت می‌شود که در آن دادرسی اطفال و نوجوانان به دادگاه‌های جنایی بزرگسالان منتقل شده و به عنوان مجرم به جای متخلفان نوجوان محاکمه می‌شوند و مجازات اطفال و نوجوانانی که مقصر شناخته شده‌اند، شدیدتر از سالهای گذشته است.

در این راستا باید عنوان کرد که حق دادرسی از طریق هیئت منصفه در نظام عدالت کیفری ایالات متحده امری بنیادی تلقی می‌شود. به جز در مورد اتهامات سبک، دادرسی کیفری علیه متهمین بزرگسال باید با از طریق هیئت منصفه انجام شود، مگر اینکه متهم انصراف خود را اعلام کند^۱. با این حال دیوان عالی این کشور درخواست محاکمه از طریق هیئت منصفه در دادرسی اطفال و نوجوانان را رد کرده است. در یک پرونده معروف، دیوان به این نتیجه رسید که عدالت بنیادی مستلزم محاکمه از طریق هیئت منصفه در دادگاه اطفال و نوجوانان نیست. خصوصاً قضات نگران بودند که با دستور دادرسی از طریق هیئت منصفه، روند رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان به صورت رسمی‌تر و خصمانه‌تر انجام شود و هدف داشتن، نظامی مبتنی بر حمایت بیشتر از اطفال و نوجوانان را از بین ببرد. تحمیل هیأت منصفه به سیستم دادرسی اطفال و نوجوانان، حتی اگر کارکرد شناسایی واقعیت را داشته باشد، تا حد زیادی آن

۱- حق دادرسی از طریق هیئت منصفه در ششمین متمم قانون اساسی ایالات متحده یافت شده است که بخشی از آن بیان می‌دارد: در همه تعقیب‌های کیفری، متهم باید از این حق برخوردار شود. دادرسی توسط هیئت منصفه بی طرف ثابت کرده که حق دادرسی هیئت منصفه حقی اساسی است، اگرچه محدود به جرایم جدی است.

را تقویت نمی کند و برعکس، از تواناییهای مفروض دادگاه اطفال و نوجوانان برای عملکرد منحصر به فرد خود می کاهد.

به هر ترتیب در نظام کیفری آمریکا روند رسیدگی به جرایم اطفال دارای نهادها و اقدامات خاصی است که در نوع خود جالب می باشد از جمله اینکه اگر اطفال مرتکب جرم فدرال شوند امکان رسیدگی به پرونده آن ها در دادگاه فدرال وجود ندارد مگر اینکه دولت فدرال اجازه شروع رسیدگی را به صورت موردی تحت شرایط خاص صادر کند. مورد بعدی نیز حوزه قضایی دوگانه بزهکاری و افراد تحت قیمومیت است به شکلی که بر اساس نظام کیفری اطفال در این کشور چنانچه طفل مرتکب جرم شود اگر دادگاه وی را بزهکار تشخیص دهد نمی تواند وی را تحت قیمومیت قرار دهد زیرا امکان اینکه طفل همزمان هم مجرم باشد و هم تحت قیمومت قرار گیرد وجود ندارد. مورد بعدی نیز انتقال دادرسی به جرایم اطفال به دادگاه بزرگسالان است و اگر قاضی دادگاه نوجوان تشخیص دهد که انتقال نوجوان به نظام دادگستری کیفری بزرگسالان به نفع همه خواهد بود دستور این کار را خواهد داد.

الف: صدور اجازه توسط دولت فدرال برای شروع رسیدگی به جرایم اطفال در دادگاه های فدرال

قانون آیین دادرسی کیفری اطفال (فدرال)، دادرسی فدرال علیه یک طفل بزهکار را زمانی که هیچ گزینه‌ای برای دادرسی ایالتی وجود نداشته باشد یا زمانی که نوجوان مرتکب جرم جدی فدرال شده است، مجاز می داند. لذا در این حالت دولت باید شرایط لازم برای برگزاری دادرسی فدرال را تأیید کند. این گواهی باید دارای موارد ذیل باشد:

- ۱) دادگاه‌های ایالتی مایل نبوده یا نمی توانند علیه نوجوان مورد نظر جلسه‌ی دادرسی تشکیل دهند، یا
- ۲) برنامه‌ی رسیدگی به نوجوانان در دادگاه ایالتی مزبور کافی نبوده یا در دسترس نیست، یا
- ۳) جرم نوجوان تحت محاکمه جرائمی از قبیل قاچاق مواد مخدر، حمل اسلحه‌ی گرم غیرقانونی، یا جنایت و جرائم خشن بوده که منافع فدرال قابل توجهی در این جرائم وجود دارند که لزوم دادرسی فدرال را توجیه می کنند.

به هر حال از آنجا که الزامات صدور گواهینامه متفاوت هستند، اما مبنای واحدی برای صدور این مجوز وجود دارد. اگرچه بر اساس قانون مجوز تأیید از سوی دادستان کل کشور صادر می شود، اما این مقام به وکلای مختلف ایالات متحده نیز صلاحیت خود را تفویض کرده است.

از آنجا که هیچ تعریف قانونی از اصطلاح «جرم خشن» وجود ندارد، دادگاه در گذشته به تعاریف و نمونه‌های موجود در ماده 16 U.S.C. § 18 متکی بودند: الف: اصطلاح «جرم خشن» به معنی جرمی است که در آن اقدام به استفاده یا تهدید به استفاده از نیروی فیزیکی علیه شخص یا دارایی‌ها او شده است؛ یا ب: هر جرم دیگری که از نظر ماهوی، خطر استفاده از نیروی فیزیکی علیه شخصی یا اموالش در زمان ارتکاب جرم وجود داشته است؛ یا در ماده‌ی 18 U.S.C. § «جرم خشن» به معنای جرمی است که الف: اقدام به استفاده یا تهدید به استفاده از نیروی فیزیکی علیه شخص یا دارایی‌ها او شده است؛ یا ب: هر جرم دیگری که از نظر ماهوی، خطر استفاده از نیروی فیزیکی علیه شخصی یا اموالش در زمان ارتکاب جرم وجود داشته است؛ یا این تعریف ساده که «جرمی که به دلیل ماهیت‌اش خطر قابل توجهی در استفاده از نیروی فیزیکی علیه دیگری در زمان ارتکاب به جرم در آن وجود دارد» (Marcus, 2004, 237-240).

با این وجود در ۱۷ آوریل ۲۰۱۸ دولت اعلام کرده که این تعاریف مبهم هستند. برای اعمال تصمیم دولت مبنی بر مشخص شدن مفهوم، نیاز به دادگاه‌های سطح پائین فدرال باشد که وظیفه دارند معنای اصطلاح "جرم خشن" مشخص کرده و تعریف جدیدی ارائه کنند.

همچنین دولت می‌تواند در مورد روند دادرسی فدرال تصمیم بگیرد، که نوجوان باید آزاد شود یا تحت شرایط مناسب به مقامات ایالتی تحویل داده شود. در غیر این صورت، دولت با تشکیل پرونده و مرور سوابق گذشته نوجوان در دادگاه منطقه‌ای، روند رسیدگی را آغاز می‌کند. در نهایت به نظر می‌رسد اکثر دادگاه‌ها اعتقاد دارند که آن‌ها صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با جرائم نوجوانان را ندارند، تا زمانی که مدارک مربوط به این دادرسی را دریافت کنند. در این حالت دولت نیز تنها در صورت اصرار خود نوجوان، یا به موجب انتقال دادگاه نوجوان، می‌تواند با او به عنوان یک بزرگسال رفتار کند (۳۰-۳۱. ۲۰۲۰. department of justice).

ب: حوزه قضایی دوگانه بزهکاری و افراد تحت قیمومیت (قانون موسسات و نهادهای رفاهی ماده ۲۴۱)

طبق بند ۱ ماده ۲۴۱ (قانون موسسات و نهادهای رفاهی ماده ۲۴۱) هنگامی که یک شخص صغیر هم مشمول تعبیر یک کودک تحت قیمومیت و هم یک بزهکار تحت نظر دادگاه می‌باشد، دپارتمان رفاهی کودکان و دپارتمان آزادی مشروط می‌بایست با هم به صورت کلی تعیین کنند که کدام عنوان بیشتر به سود شخص صغیر و حفاظت از جامعه است (بدین مفهوم که اگر طفل را شخص تحت قیمومیت دادگاه بدانیم برای وی بهتر است یا بزهکار بنامیم و از حقوق مجرمین برخوردار کنیم). بر اساس بخش الف ماده مذکور هر دو دپارتمان می‌بایست پیشنهاد خود را به دادگاه نوجوانان ارائه دهند که پس از آن، دادگاه عنوان وضعیت مناسب شخص صغیر را مشخص می‌کند. لذا اصولاً، یک کودک نمی‌تواند هم تحت قیمومیت و هم بزهکار تحت نظر دادگاه باشد. (ماده ۲۴۱ بند ۱ بخش پ و ت). همچنین طبق بخش الف بند ۱ ماده ۲۴۱ دپارتمان‌های آزادی مشروط و رفاهی می‌بایست پیشنهاد تعیین وضعیت را به همراه دادخواستی که از طرف شخص صغیر صادر شده است به دادگاه نوجوانان ارائه دهند (Hon, ۲۰۰۸. ۶۰).

ج: انتقال حوزه قضایی پس از برگزاری جلسه دادرسی

بر اساس ماده ۷۵۰ قانون موسسات و نهادهای رفاهی زمانی که دادخواست در ایالتی که جرم در آن واقع شده است یا شخص صغیر در آن دستگیر شده است، و قبل از دادرسی صدور قرار، توسط دادگاه پذیرفته شود، دادگاه می‌تواند برای جلسه دادرسی صدور قرار، موضوع را به دادگاه محل اقامت شخص صغیر ارجاع دهد. در چنین موردی شخص صغیر حق این را دارد که درخواست برگزاری جلسه انتقال حوزه قضایی دهد تا مشخص شود آیا ارجاع پرونده به صلاح شخص صغیر است یا خیر. (ماده ۵۶۱۰ قوانین دادگاه‌های کالیفرنیا) همچنین شخص صغیر حق دارد که یک جلسه پذیرش در دادگاه ایالتی که پرونده به آنجا ارجاع می‌شود درخواست کند تا اعتبار حوزه قضایی آن استان سنجیده شود و برای قیمومیت یا اقامت شخص صغیر در طول زمان صدور قرار، آرای لازم صادر شود. (ماده ۵۶۱۲ قانون دادگاه‌های کالیفرنیا (۱۷-۲۸. ۲۰۱۱. burrell)).

د: ارجاع مستقیم پرونده به دادگاه بزرگسالان و عدم صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان

در این رابطه باید عنوان کرد که در روند رسیدگی به جرایم اطفال یک استثنا وجود دارد بدین شکل که اختیارات دادگاه اطفال نسبت به اشخاص صغیری که اعمال مجرمانه کیفری مرتکب شده‌اند این است که، دادستان می‌بایست اطفال و نوجوان را برای جرائم خاص تعیین شده در قانون در دادگاه بزرگسالان مورد دادرسی قرار دهد (به عنوان

مثال، قتل درجه اول و تحت شرایط بخصوص جرائم تجاوز جنسی)، البته به شرطی که شخص صغیر در زمان ارتکاب جرم مزبور حداقل ۱۴ سال یا بیشتر سن داشته است، و شخص صغیر مقصر اصلی جرم محسوب می شود. بند [b] ماده ۶۰۲ قانون موسسات و نهادهای رفاهی). لازم به ذکر است: دستوری که دادستان مبنی بر عدم صلاحیت دادگاه اطفال برای دادرسی صادر می کند قطعی بوده و قابل تجدید نظر نیست. (فقط توسط دستور ویژه دادگاه قابل بازبینی می باشد). به علاوه، دادستان مختار است در موقعیت های مختلف، پرونده را به صورت مستقیم به دادگاه کیفری بزرگسالان ارجاع دهد مگر اینکه شخص صغیر و جرم ارتكابی پیرو بند (b) مشمول پیگردهای قانونی اجباری برای بزرگسالان باشند که هموار د ذیل را شامل می شود:

۱- اگر شخص صغیر ۱۶ سال یا بیشتر سن داشته باشد و متهم به ارتکاب جرائم مشمول بند (b) ماده ۷۰۷ دست زده باشد (جرائم جدی و دارای خشونت) (بند [d] پاراگراف اول ماده ۷۷ قانون موسسات و نهادهای رفاهی) - متهم به ارتکاب هرگونه جرم علیه یک شخص سالخورده یا دارای معلولیت می باشد (پاراگراف سوم بند [d] ماده ۷۰۷ قانون موسسات و نهادهای رفاهی) در حالی که قبلاً برای چنین جرمی مورد محاکمه قرار گرفته است؛ - متهم به ارتکاب یک جرم ناشی از نفرت و تبعیض یا جرمی برای منفعت رساندن به یک گروه جنایتکار خیابانی باشد (پاراگراف سوم بند [d] ماده ۷۰۷ قانون موسسات و نهادهای رفاهی) ۲- و در جایی که شخص حداقل ۱۴ سال سن داشته باشد و

- شخص صغیر متهم به این باشد که شخصاً از یک اسلحه گرم برای ارتکاب جرم استفاده کرده است (پاراگراف دوم بند [d] ماده ۷۰۷ قانون موسسات و نهادهای رفاهی) - شخص صغیر متهم به ارتکاب یکی از جرائم بند (b) ماده ۷۰۷ باشد که قبلاً برای چنین جرمی مورد محاکمه قرار گرفته است، یا اینکه جرم مورد اتهام برای منفعت رساندن به یک گروه جنایتکار خیابانی بوده است، یا اینکه از جرایم ناشی از نفرت و تبعیض بوده است، یا اینکه قربانی جرم یک فرد سالخورده یا دارای معلولیت بوده است (پاراگراف دوم بند [d] ماده ۷۰۷ قانون موسسات و نهادهای رفاهی)

ه: انتقال پیگرد قانونی اطفال و نوجوانان به دادگاه بزرگسالان

انتقال اطفال و نوجوانان به دادگاه های کیفری بزرگسالان^۱ می تولند از طریق مختلفی اتفاق افتد. یک راه مبتنی بر انصراف قضایی است، فرایندی که به موجب آن قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان تشخیص می دهد که انتقال اطفال و نوجوانان به نظام دادگستری کیفری بزرگسالان به نفع همه خواهد بود. مورد دیگر شامل اعطای اختیار به وکلای دادرسی برای درخواست انتقال از طریق اعمال صلاحیت است. در سایر ایالت ها، قانون گذاری به این مبنا است که که انتقال اجباری اطفال و نوجوانان به نظام بزرگسالان، به طور معمول برای جرایم خاص و کاملاً خشن، لازم است.^۲ (Kline ۱۹۹۸، ۳۷۵-۳۸۰)

۱- محدوده عظیمی از حداقل سن برای انتقال نوجوانان در سراسر ایالات متحده وجود دارد. در بعضی از ایالت ها، سن ممکن است به ده سال برسد در حالی که در برخی دیگر این سن بیشتر است و در برخی دیگر اصلاً شرط حداقل سن مشخص نشده است. ۲در بعضی از ایالت های دارای جرایم خاص، " مبتنی بر اماره " وجود دارد، این فرض که نوجوانی که مرتکب برخی جنایات خشن شده باید به عنوان بزرگسال محاکمه شود، مگر اینکه آن کودک بتواند خلاف آن را ثابت کند. بنابراین بار اثبات اینکه نظام دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان تحت شرایطی دادگاه مناسب تری است، به دوش نوجوان است.

انتقال اطفال و نوجوانان به دادگاه‌های کیفری بزرگسالان براساس عوامل مختلفی انجام می‌شود از جمله:

- اهمیت جرم ادعایی
 - روشی که براساس آن جرم ارتکاب یافته
 - اینکه جرم علیه اموال بوده یا جرمی با خشونت علیه دیگران
 - موفقیت احتمالی شکایت
 - مشارکت سایر افراد (اعم از نوجوان و بزرگسال)
 - پختگی و بلوغ نوجوان مرتکب
 - سابقه گذشته آن نوجوان
 - بازپروری احتمالی کودک در نظام دادگاه اطفال و نوجوانان (Bishop, 2002, 1-5).
- انتقال دو نوع است، اجباری و اختیاری. انتقال در مواردی که جرم ارتكابی خشونت‌آمیز، قاچاق مواد مخدر، آتش‌سوزی عمدی، و جرائمی از این دست باشد که توسط یک نوجوان ۱۶ ساله یا بیشتر انجام شده باشد، و بیشتر ارتکاب به چنین اعمالی از سوی او پیش آمده، اجباری است (gardner, 1989, 183-188).
- همان‌طور که اشاره شد، محکومیت جرائم قبلی ممکن است باعث محکومیت فرد به عنوان یک بزرگسال شود (سبب رسیدگی در دادگاه بزرگسالان شود)، یا باعث رسیدگی به بزه انجام شده از سوی نوجوان همچون یک بزه انجام شده از سوی یک بزرگسال شود (رسیدگی در دادگاه اطفال اما بر خارج از قانون اطفال). اگر نوجوان بالای ۱۵ سال داشته باشد، صرف‌نظر از سوابق قبلی، ممکن است در صورت تکرار جرم مقدمات انتقال اجباری‌اش فراهم شود؛ انتقال اختیاری برای نوجوانان ۱۳ سال یا بالاتر نیز در برخی پرونده‌ها با موضوع حمله، قتل یا سرقت ممکن است^۱.
- همان‌طور که پیش‌تر مشخص شد، در مورد صدور دستور، عواملی که با اصطلاح «جرم خشن» مشخص می‌شوند، بر انتقال و تعیین دسته‌ی جرم مؤثر هستند. لیست جرائم اصلی که در بخش ۵۰۳۲ تحت عنوان جرائم انتقال اجباری برای نوجوانان ۱۶ سال به بالا مشخص شده‌اند، تقریباً با لیست جرائم ماده U.S.C. §§ 16a یکی بوده و شامل موارد زیر می‌شود: الف: جرم کیفری که در آن عنصر استفاده یا تهدید به استفاده از نیروی فیزیکی علیه فردی دیگر

۱- (...) با این وجود، نوجوانی که در مورد او ادعا شده، پس از ۱۶ سالگی مرتکب جرمی شده که در صورت ارتکاب آن جرم توسط یک بزرگسال، جرم جنایی محسوب می‌شود، و عنصر اصلی در ارتکاب این جرم اقدام به استفاده یا تهدید استفاده از نیروی فیزیکی علیه فردی دیگر بوده است، یا اینکه جرم مربوطه به دلیل ماهیت‌اش خطر اساسی داشت، یا جرمی است که در بخش ۲، ۸۱، ۸۴۴ (i), (h), (f), (e), (d) یا ۲۲۷۵ این عنوان ذکر شده، یا در بند (2), (1) b یا (3) قانون صادرات و واردات مواد کنترل شده عنوان شده باشد، و یا نوجوان پیشتر نیز به دلیل ارتکاب این جرم شناخته شده بود، برای پیگرد کیفری به دادگاه منطقه‌ای مناسب ایالات متحده منتقل می‌شود.

۲- (پرونده نوجوانی که ادعا می‌شود مرتکب عمل بزهکارانه شده و به مقامات دولتی تسلیم نشده بود، مطابق مطالب این فصل در دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، مگر اینکه خود نوجوان کتباً به مشاور یا وکیل‌اش درخواست بدهد که با وی همچون بزرگسال برخورد شود، با این تفاوت که در مورد نوجوانان پانزده ساله و بالاتری که مرتکب چنین جرائمی می‌شوند، مطابق بند ۴۰۱ قانون مواد کنترل شده یا مواد ۱۰۰۲، ۱۰۰۵، یا ۱۰۰۹ قانون کنترل شده و قانون انتقال برخورد خواهد شد، و تعقیب کیفری براساس عمل ادعایی ممکن است با اقدام به انتقال دادستان کل در دادگاه منطقه‌ای مناسب ایالات متحده آغاز شود.

۳- ... در اعمال حکم قبلی (مربوط به انتقال نوجوان ۱۵ ساله یا بالاتر) اگر جرم خشن مطابق ماده (a) ۱۱۳ یا (b) ۱۱۳ قابل تعریف باشد، یا اگر نوجوان حین ارتکاب جرم اسلحه‌ی گرم به همراه داشته باشد، بخش ۲۱۱۳، ۲۱۱۱، ۲۱۴۱ یا ۲۲۴۱، سیزده جایگزین پانزده خواهد شد.

نقشی اساسی دارد، ب: جرائمی که به دلیل ماهیت‌شان شامل خطرات قابل توجهی هستند و ممکن است در حین ارتکاب آن‌ها از نیروی فیزیکی علیه فرد مقابل استفاده شود^۱.

مقررات انتقال اختیاری برای نوجوانان ۱۵ سال و بالاتر نیز با مشکلات مشابهی همراه بوده است. در این بخش نیز مفهوم وجود عبارت «جرائم خشن» پیش‌بینی شده است. شرایط انتقال اختیاری در مورد نوجوانان ۱۳ ساله و بالاتر اما با چنین چالش‌هایی همراه نبوده است، چرا که ماده ۵۰۳۲ جرائم خاصی را که منجر به انتقال اجباری این مجرمان می‌شود، مشخص کرده است.

زمانی که احاله اختیاری باشد، قضاوت در مورد نوجوان آسان‌تر است، مگر اینکه دولت با استناد به شواهد بتواند پرونده را خود در دادگاه فدرال مورد رسیدگی قرار دهد. ماده ۵۰۳۲ عواملی را برای رسیدگی به دادگاه تعیین می‌کند که براساس آن‌ها انتقال نوجوان و رسیدگی به جرم او به عنوان یک بزرگسال مشخص می‌شود و دادگاه در تعیین تصمیم‌اش باید به شش موضوع توجه کند: (۱) سن و سابقه‌ی اجتماعی نوجوان، (۲) ماهیت جرم، (۳) میزان و ماهیت سوابق بزهکاری قبلی نوجوان؛ (۴) رشد فکری و بلوغ روانشناختی نوجوان، (۵) ماهیت اقدامات درمانی گذشته و پاسخ نوجوان به درمان‌ها، و (۶) در دسترس بودن برنامه‌های درمانی برای مشکلات رفتاری نوجوان.

هدف این موارد آن است که مشخص کند، در صورت عدم برخورد یکسان با جلسات انتقال نسبت به جلسات مقدماتی رسیدگی پرونده چه اتفاقی می‌افتد لذا در جلسه استماع امور انتقال غیر از قوانین ایالتی، قوانین فدرال اعمال نمی‌شود.

همچنین اظهارات طفل قبل یا در جریان دادرسی انتقالی ممکن است در مراحل بعدی رسیدگی پذیرفته نشود. در نتیجه ممکن است طفل، ملزم به ارائه گواهی معاینه روانپزشک معتمد دادگاه باشد و دادگاه می‌تواند نتایج تعیین شده‌ی این معاینه را بپذیرد و تشخیص دادگاه در مورد مناسب بودن انتقال، قابل تجدیدنظر است (Gainsborough, 2000, 2).

در هر حال اقدامات قانونی در سالهای اخیر بر اقداماتی که مستلزم مجازات شدیدتر اطفال و نوجوانان است به جای اقدامات محدود کننده تأکید کرده است. به طور مثال به دنبال تیراندازی در مدرسه کلرادو در آوریل ۱۹۹۹، سنا برخی اقدامات کنترل اسلحه را به لایحه عدالت نوجوانان اضافه کرد که در آن زمان در کنگره مورد بررسی قرار گرفت. با این حال، چنین اقداماتی در نسخه مجلسی لایحه گنجانده نشده بود و روند تطبیق دو نسخه در پایان اولین جلسه کنگره متوقف شد. در بحث و سخنرانی درباره اقدامات کنترل اسلحه، به سایر پیشنهاد‌های مندرج در لایحه مجلس توجه کمتری شده است:

- اجازه دهید جوانان ۱۳ ساله هم مانند بزرگسالان در سیستم فدرال محاکمه شوند
- دامنه جرایم فدرال را گسترش دهید که بواسطه آن نوجوانان را هم بتوان همانند بزرگسالان تحت تعقیب قرار داد
- احکام اجباری اضافی برای نوجوانان در دادگاه فدرال پیش‌بینی کنید

۱- ماده ۱۸ U.S.C. § 16 جرم خشن را چنین تعریف می‌کند: «a» جرمی که در ارتکاب آن استفاده، اقدام به استفاده یا تهدید به استفاده از نیروی فیزیکی علیه شخص یا دارایی شخص دیگری وجود داشته باشد، یا «b» هر جرم دیگری که ماهیت‌اش به گونه‌ای باشد که شامل یک خطر اساسی بوده و از نیروی فیزیکی علیه شخص یا مال دیگری در جریان ارتکاب جرم استفاده شود.

- محدودیت های اسکان نوجوانان در بازداشتگاهها و زندانهای بزرگسالان را کاهش دهید

تغییرات، سیاست دامنه نوجوانانی را که به دادگاه بزرگسالان منتقل می شوند، گسترش داده است. هر واکنش های قانونی ایالتی و فدرال به جرایم اطفال و نوجوانان بر ارسال آنها به دادگاه کیفری بزرگسالان متمرکز بودند. از سال ۱۹۹۲، تقریباً اکثر ایالت ها محاکمه اطفال و نوجوانان همانند بزرگسالان را آسان تر کرده اند. کنگره در سال ۱۹۹۸ با اعطای برخی امتیازهای فدرال مشروط به ایالت هایی که سیاست هایی را برای پیگرد قانونی افراد بالای ۱۴ سال در بزرگسالی مجاز کردند، باعث تشویق بیشتر این روند شد. قوانین آیین دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان ایالتی مدت هاست که انتقال خلافکاران کودک، بسیار خطرناک را به دادگاه کیفری بزرگسالان پس از دادرسی در مقابل قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان، با روند "معافیت قضایی" مجاز کرده است. با این حال، در سال های اخیر تغییرات قابل توجهی در فرایندهایی که بواسطه آنها مجرمان اطفال در دادگاه بزرگسالان محاکمه می شوند، ایجاد شده است (Charles, 2018, 18).

از جمله اهم موارد می توان به موارد ذیل اشاره کرد (Thompson, 2016, 33-37):

- معافیت قضایی گسترش یافته تا به قضات دادگاه نوجوانان امکان انتقال نوجوانان و افراد متهم به ارتکاب جرائم کمتر جدی را داده و پرونده های بیشتری را به نفع معافیت یا معافیت اجباری منوط به فرض کرده است.
- اختیارات دادستانی گسترش یافته است تا اختیارات بیشتری به دادستان ها برای تشکیل پرونده های خاص نوجوانان در دادگاه نوجوانان یا دادگاه های کیفری، به انتخاب خود، داده شود.
- ایالت ها به طور فزاینده ای قوانینی را تصویب کرده اند که برخی از گروه های بزهکاران اطفال و نوجوان را بر حسب سن یا جرم از صلاحیت دادگاه اطفال خارج می کند.
- "هنگامی که یک فرد بالغ باشد، همیشه یک فرد بزرگسال خواهد بود" - اکثر ایالت ها مقرراتی را در این زمینه دارند که مستلزم آن است که به محض پیگرد قانونی و محاکمه یک نوجوان در دادگاه کیفری، کلیه پرونده های بعدی مربوط به آن نوجوان تحت صلاحیت دادگاه کیفری قرار خواهد گرفت لذا این تغییرات سیاست باعث شده تا بسیاری از کودکان بعنوان بزرگسالان محاکمه شوند.

۱- در نظام کیفری آمریکا رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در برخی اوقات در دادگاه اطفال و در برخی موارد در دادگاه بزرگسالان رسیدگی می شود که از آن تحت عنوان احاله پرونده یاد می شود و انتقال اطفال و نوجوانان به دادگاه های کیفری بزرگسالان می تواند از طریق مختلفی اتفاق افتد. یک راه مبتنی بر انصراف قضایی است، فرایندی که به موجب آن قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان تشخیص می دهد که انتقال اطفال و نوجوانان به نظام دادگستری کیفری بزرگسالان به نفع همه خواهد بود. مورد دیگر شامل اعطای اختیار به وکلای دادسرا برای درخواست انتقال از طریق اعمال صلاحدید است. در سایر ایالت ها، قانون گذاری به این مینا است که انتقال اجباری اطفال و نوجوانان به نظام بزرگسالان، به طور معمول برای جرایم خاص و کاملاً خشن، لازم است.

۲- در نظام کیفری آمریکا نیز وضع متفاوت است و علیرغم اینکه سن مسئولیت کیفری در اکثر ایالت ها و قوانین فدرال ۱۸ سال است اما در موارد مختلفی، رسیدگی در دادگاه بزرگسالان انجام می گیرد. برخی از ایالت ها معتقدند که یک فرد تا ۱۸ سالگی کودک است، در حالی که برخی دیگر می گویند ۱۷ سالگی پایان دوران کودکی است. برخی قوانین ایالتی نیز وجود دارد که حداقل سن مسئولیت کیفری را تعیین می کند. به عنوان مثال، پنسیلوانیا، کودکان زیر ۱۰ سال را به دادگاه اطفال نمی آورد، در حالی که سن پایین کارولینای شمالی شش سال است. بیشتر ایالت ها حداقل سن قانونی ندارند، اما به اصول قانون عادی پایبند هستند که هفت سالگی حداقل سن دادگاه نوجوانان است. دادگاه های نوجوانان بخشی از سیستم عدالت نوجوانان است که جایگزینی برای سیستم عدالت کیفری برای مجرمان نوجوان منتخب فراهم می کند.

۳- به نظر می رسد، توجه به آموزش پلیس، بخصوص پلیس زن در دانشکده پلیس برای پلیس برای مواجهه و برخورد مناسب با کودک بزهکار و فراگیری مباحثی قانون روانشناسی و تعلیم و تربیت و همچنین آموزش و تضمین های دادرسی منصفانه، گامی موثر در رعایت حقوق کودکان معارض با قانون و تحقق دادرسی منصفانه برای آنان و جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

اما در نظام کیفری آمریکا هر کلانتری یا ایستگاه پلیس بخشی تحت عنوان اطفال و نوجوانان دارد که از افسران پلیس با تجربه و عمما بانوان استفاده می شود و هنگامی که پلیس بزهکاران اطفال را به بخش اطفال اداره پلیس می آورند و یا احضار می کنند، از آنها اثر انگشت گرفته، سوال می کنند و در صورت لزوم آنها را بازداشت می کنند. در زمان دستگیری، افسران تصمیم می گیرند که آیا مجرمان جوان را به دادگاه اطفال ارجاع می دهند یا این پرونده ها را از سیستم قضایی خارج می کنند.

پیشنهادها:

۱- اجرایی نمودن هر چه سریع تر واحد پلیس ویژه اطفال در کلانتری ها و مجموعه نیروی انتظامی در راستای حفظ حقوق اطفال و نوجوانان

۲- تشکیل دادگاه اطفال در مفهوم واقعی آن و بصورت دادگاه تخصصی و اختصاصی امری ضروری به نظر می رسد. به این منظور از یک سو باید به تربیت نیروهای آگاه به مسائل دادرسی اطفال توسط قوه قضائیه و مراکز دانشگاهی و بکار گیری آنان به عنوان قاضی، ضابطین دادگستری و وکلای ویژه اطفال، اصل تخصصی و دادرسی

اطفال را تأمین کرد و از دیگر سو با توجه به پذیرش دادگاه های اختصاصی در نظام قضایی کشورمان به تشکیل دادگاه اختصاصی اطفال که تنها صالح به رسیدگی جرایم اطفال و اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال باشد اقدام نمود.

۳- ورود اطفال به روند دادرسی بزرگسالان و گاه دادرسی ویژه آنان ممکن است به لحاظ جسمی و روانی و حقوقی آسیب زا باشد، از این رو اقدامات قضا زدایی از ابتدای پاسخ گویی به عمل مجرمانه اطفال، با هدف اجتناب از تماس غیر ضروری اطفال با نظام قضایی رسمی و اجتناب از تحقیقات و محاکمه رسمی از جمله مواردی است که شایسته توجه جدی قانون گذار است.

۴- اختصاص شعبی از دادرسی عمومی و انقلاب برای رسیدگی مقدماتی به جرایم نوجوانان، ایجاد شعبی از دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان و عدم پیش بینی مراجع خاصی برای رسیدگی مجدد به جرایم این افراد از جمله مواردی است که اتخاذ رویکرد افتراقی را از مرحله تعقیب تا مرحله رسیدگی با مشکل مواجه کرده است. بر این اساس، پیشنهاد می شود نظام حقوقی ایران نیز در راستای مطابقت با معیارهای حقوق بشری و همچنین به منظور رعایت معیارهای دادرسی عادلانه، با تفکیک مراجع قضائی اطفال و نوجوانان از سایر مراجع قضایی از مرحله بدوی تا مرحله عالی، در کنار دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان، تشکیل دادرسی ویژه نوجوانان، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان و دادگاه تجدیدنظر ویژه اطفال و نوجوانان را با ترکیب قضات متخصص مورد پیش بینی قرار دهد.

۱. اسدی، لیلآسادات، تأثیر حقوق بشر بر مقررات دادرسی ایران ناظر به کودکان، مجموعه مقاله های برگزیده همایش علمی و کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، تهران، معاونت آموزش پلیس پیشگیری، چاپ نخست، ۱۳۸۸
۲. ایارگر، حسین، بررسی حقوقی، جرم شناختی تأثیر نظارت پیشگیرانه بر بزهکاری نوجوانان، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی و کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: معاونت آموزش، پلیس پیشگیری و معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا، ۱۳۸۸
۳. آشوری، محمد، عدالت کیفری ۲، مجموعه مقالات، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۴
۴. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱
۵. پویاسیرت، محمدحسین، در مقاله خود با عنوان رسیدگی به جرایم اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ فصلنامه مطالعات حقوق، دوره: ۱، شماره ۱۳۹۶، ۹
۶. جمشیدی، علیرضا، گفتمان سیاست جنایی در الیحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۸۲
۷. حسنعلی موذنزادگان، حسین جوادی، در مقاله خود با موضوع الزامات و سازوکارهای پلیس اطفال و نوجوانان در ایران (مطالعه تطبیقی: حقوق آمریکا)، پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی، ش ۱۳۹۴، ۵
۸. حسینی، سیدحسین، موسوی بایگی، سیدعلی، بررسی بازخوردهای متفاوت تقنینی در حوزه جرایم اطفال و نوجوانان، کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه دیدگی کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۲
۹. الرود، پرستون و ریلدر، آراسکات، دادرسی ویژه نوجوانان از منظر اجتماعی، تاریخی و حقوقی، مترجم: احمدرضا علیزاده و محمد بارانی، چاپ اول، تهران: انتشارات علامت، ۱۳۹۲.
۱۰. شکرچی زاده، محسن، نوذری، زهره، سیاست جنایی تقنینی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تحقیقات جدید در علوم انسانی، ش ۹، ۱۳۹۵
۱۱. مهدی پور، اعظم؛ نقیبی، سیدمحمدرضا، بررسی حدود صلاحیت دادگاه های کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مجله حقوق دانشگاه اصفهان، ش ۴، ۱۳۹۵
۱۲. نیازپور، امیرحسین، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲
۱۳. الهام، غلامحسین، منوچهری، مریم، تخصصی شدن رسیدگی در دادگاه های اطفال در ایران و ایتالیا، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ش ۱، ۱۳۹۳
۱۴. یرکمالی، سید علیرضا و حسینی، انسیه، کانون اصالح و تربیت از منظر پیشگیری رشدمدار، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۹۴

15. Ainsworth, Janet E, The Court's Effectiveness in Protecting the Rights of Juveniles in Delinquency Asquith, Stewart et al. The Role of the Social Worker in The ۲۱stcenturya Literature Review: University, Cases, The Future of Children THE JUVENILE COURT Vol ۶, No ۳, ۱۹۹۶
16. Bishop, Donna, Juvenile Offenders in the Adult Criminal Justice System, Crime and Justice ,vol27, 2000
17. burrell, sue, Collateral ConsequenCes of juvenile delinquenCy proCeedings in California,California, Pacific Juvenile Defender Center,2011
18. departement of justice, 2020 JUVENILE JUSTICE HANDBOOK A Practical Reference Guide,texas,2020
19. Doyle, Charles , Juvenile Delinquents and Federal Criminal Law: The Federal Juvenile Delinquency Act and Related Matters,newyork ,Congressional Research Service,2018
20. Fagan, Jeffrey, This Will Hurt Me More Than It Hurts You: Social and Legal Consequences of Criminalizing Delinquency, Notre Dame Journal of Law, Ethics & Public Policy, Vol. 16, 2002
21. Hon. Ronald M. George, JUVENILE DELINQUENCYCOURT ASSESSMENT, administrative office of the court, Judicial Council of California,2008
22. Jenni Gainsborough, Prosecuting Juveniles in Adult CourtAn Assessment of Trends and Consequences,washingto,the sentencing project,2000
23. Kline, Dennis the Menace or Billy the Kid: An Analysis of the Role of Transfer to Criminal Court in Juvenile Justice, American Crim. L. Rev. vol35 ,1998
24. Marcus, Paul, UNITED STATES / THE JUVENILE JUSTICE SYSTEM IN THE UNITED STATES, Revue internationale de droit pénal ,vol75,2004
25. Martin R Gardner, The right of Juvenile Offenders to be Punished: Some Implications of Treating kids as Persons, ۶۸NEB.L.REV,۱۹۸۹
26. Tanenhaus , David. S, Justice for the Child: The Beginning of the Juvenile Court in Chicago, Scholarly of Edinburgh, December ۲۰۰۵
27. Thompson, Kristin, Juvenile Delinquency and Disability, newyork,spinger,2016